

ویژگی‌های روانسنجی مقیاس هوش هیجانی تجدیدنظر شده شاتِه (MSEIS)*

Psychometric Properties of the Modified Schutte EI Scale (MSEIS)*

Abbas Bakhshipour,  Ph.D.

Mostafa Zarean

Amin Asadollahpour

دکتر عباس بخشی‌پور**

مصطفی زارعان**


امین اسدالله‌پور**

Abstract

This study was carried out in order to evaluate the psychometric properties of the Persian version of the Modified Schutte Emotional Intelligence Scale (MSEIS) in Iranian sample. MSEIS is a self-report 41-item questionnaire to assess the trait emotional intelligence. For this purpose, the MSEIS, SCL-90-R, GHQ-28 and NEO-FFI-R were completed by a sample of 677 Tabriz university students (304 males, 373 females) aged 18-30 years (mean, 21). As it was predicted, there were significant correlations between the MSEIS and the above questionnaires. This correlations was negative and significant with the subscales of the SCL-90-R, GHQ-28 and it's subscales and neuroticism (N). Also there were positive and significant correlations with the conscientiousness (C), extroversion (E) and agreeableness (A). Form the three models that suggested by exploratory factor analysis, only the four factor model was confirmed by confirmatory factor analysis ($p > 0.01$). This

چکیده

هدف مطالعه حاضر، بررسی ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی «مقیاس هوش هیجانی تجدیدنظر شده شاتِه» (MSEIS) می‌باشد. این مقیاس یک مقیاس خودسنجی ۴۱ سؤالی است که برای سنجش هوش هیجانی خصیصه‌ای معرفی شده است. برای این منظور از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای مرحله‌ای، ۶۷۷ دانشجوی دانشگاه تبریز (۳۷۳ زن، ۳۰۴ مرد) که در دامنه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال و میانگین سنی ۲۱ سال قرار داشتند، انتخاب و «مقیاس شاتِه»، «فهرست بازبینی تجدیدنظر شده ۹۰ نشانگانی» (SCL-90-R)، «پرسشنامه سلامت عمومی» (GHQ-28) و «مقیاس تجدیدنظر شده پنج عاملی نئو» (NEO-FFI-R) را تکمیل کردند. همبستگی مقیاس شاتِه با آزمون‌های فوق همسو با پیش‌بینی نظریه‌های هوش هیجانی بود. این همبستگی با خرده مقیاس‌های SCL-90-R، GHQ-28 و خرده مقیاس‌های آن و نیز با عامل روان رنجورخویی (N)، منفی و با عامل‌های شخصیتی باوجدان بودن (C)، برونگرایی (E)، دلپذیر بودن (A) مثبت و معنی‌دار بود ($p < 0.01$). از میان سه الگوی یک عاملی، سه عاملی و چهار عاملی که از طریق تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) معرفی شده بود از طریق

* Faculty of Education & Psychology, University of Tabriz, I.R. Iran.  abakhshipour@msn.com, Tel: (+98)411-33 920 97

* دریافت مقاله: ۱۸ / ۲ / ۸۶، تصویب نهایی: ۲۵ / ۶ / ۱۳۸۶
** دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تبریز

finding was consistent with the revised model of Mayer and Salovey (1997). The overall reliability coefficient (internal consistency) of the MSEIS was .84 and this index for the four factors were .78, .65, .61, and .62. In general, the MSEIS have a satisfactory psychometric properties.

Keywords: trait emotional intelligence, Schutte Emotional Intelligence Scale (MSEIS), reliability, validity, factor analysis, Iran.

تحلیل عاملی تأییدی (CFA)، الگوی چهار عاملی برآورده‌تر از دو الگوی دیگر شناسایی شد ($p < .01$). این برازش هرچند متوسط بود اما با الگوهای نظری این زمینه منطبق می‌باشد. اعتبار کلی مقیاس از راه همسانی درونی (آلفای کرونباخ) $.84$ و برای چهار عامل آن به ترتیب $.78$ ، $.65$ ، $.61$ و $.62$ می‌باشد. در مجموع مقیاس هوش هیجانی تجدیدنظر شده شانه، از ویژگی‌های نسبتاً مناسب روانسنجی برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: هوش هیجانی خصیصه‌ای، پنج عامل بزرگ شخصیت، سلامت عمومی، اعتبار، روایی، تحلیل عاملی.

● مقدمه

در سال ۱۹۲۰، ثورندایک در دانشگاه کلمبیا، اصطلاح «هوش اجتماعی» را برای توصیف مهارت فهم و اداره سایر افراد به کار برد (ثورندایک، ۱۹۲۰). در سال ۱۹۷۵، گاردنر در کتاب «چارچوب‌های ذهن: نظریه هوش چندگانه»، ایده هوش چندگانه را معرفی نمود (گاردنر، ۱۹۷۵). او از جمله نخستین نظریه پردازانی بود که در مقایسه با نظریه‌های سنتی که از هوش، دریافتی مبتنی بر توانایی‌های صرف شناختی داشتند، هوش و عامل‌های خاص هوشی را به حیطة وسیع‌تری گسترش داد. گاردنر هفت توانایی نسبتاً مستقل زبانی، موسیقایی، منطقی-ریاضی، فضایی، بدنی-جنبشی، درون فردی و میان فردی را برای حیطة هوش توصیف کرد. او هر چند از اصطلاح «هوش هیجانی» استفاده نکرد اما دریافتی که او از هوش درون فردی و میان فردی ارائه کرد بنیادی برای الگوهای بعدی هوش هیجانی فراهم ساخت. از نظر گاردنر، هسته هوش درون فردی توانایی شناختن هیجان‌ات خود شخص است در حالی که هسته هوش میان فردی توانایی فهم هیجان‌ات و مقاصد دیگران است (گاردنر، ۱۹۸۳).

اصطلاح هوش هیجانی ابتدا در کتاب «منشا انواع» چارلز داروین (۱۸۷۲) ظاهر شد. داروین چنین فرض کرد که برای بقا و انطباق، انسان به یک هوش اجتماعی و هیجانی وسیع نیاز است. پین^۱ اولین شخصی بود که اصطلاح هوش هیجانی را در جهان انگلیسی زبان به کار برد اما از لحاظ تاریخی، بیست سال قبل از او، در اوایل دهه شصت میلادی این کارل لانس^۲،

نویسنده آلمانی داستانهای علمی-تخیلی بود که در دو رمان خود این اصطلاح را برای نخستین بار به کار برد. او در این دو رمان، مفاهیم مبنایی هوش هیجانی را به تفصیل توصیف نمود و حتی از اصطلاح «ضریب هیجانی» استفاده کرد. این رمان‌ها هرگز به انگلیسی ترجمه نشدند، اما مبنای یک نمایش رادیویی بسیار عامه پسند قرار گرفتند (دایرة المعارف و یکسیدیا، ۲۰۰۷). در دوره اخیر تر اصطلاح هوش هیجانی از سوی دانیل گلمن (۱۹۹۵) مطرح شد. او چند کتاب و مقاله در زمینه هوش هیجانی و کاربردش در تجارت نوشت. کاربرد علمی اصطلاح ضریب هیجانی به نظر می‌رسد در مقاله کیث بیزلی (۱۹۸۷) آمده است. پژوهش درباره هوش هیجانی اواخر دهه هشتاد میلادی از سوی پیتر سالووی و جان جک مه‌یر (۱۹۹۰) انجام پذیرفت. در مقاله این دو محقق به طور آشکار «هوش هیجانی» به عنوان نوعی هوش تعریف گردید.

در نظر سالووی و مه‌یر (۱۹۹۰) هوش هیجانی نوعی پردازش اطلاعات هیجانی است که ارزیابی دقیق عواطف و هیجانات در خود و دیگران، ابراز مناسب هیجانات و تنظیم سازگارانه آنها را به نحوی که به بهبود جریان زندگی منجر شود، شامل می‌شود. در این صورت بندی، هوش هیجانی سه مقوله فهم و ابراز هیجان، تنظیم هیجان و بهره‌جویی از هیجان در حل مسئله را دربر می‌گیرد. مه‌یر و سالووی در سال ۱۹۹۷ این الگورا بسط دادند. در الگوی جدید، هوش هیجانی به توانایی شناسایی مفاهیم و معانی هیجانات، روابط میان آنها، استدلال کردن در مورد آنها و نیز حل مسئله براساس آنها اشاره دارد. هوش هیجانی توانایی دریافت هیجانات، جذب احساسات مرتبط با هیجان، درک و فهم اطلاعات مربوط به هیجانات و نیز مدیریت آنها را شامل می‌شود. در صورت بندی جدید هوش هیجانی به چهار حوزه تقسیم می‌شود. اولین حوزه شامل «ادراک و ابراز هیجانات» می‌شود که در برگیرنده ارزیابی صحیح هیجانات و عواطف در خود و دیگران است. حوزه دوم شامل «توانایی کاربرد هیجانات» جهت تسهیل تفکر است. سومین حوزه یعنی «درک و فهم هیجانات» شامل تجزیه کردن هیجانات و عواطف به اجزای مختلف، فهمیدن و درک تغییر احتمالی از یک حالت احساسی به حالت احساسی دیگر و فهم احساسات پیچیده در موقعیت‌های اجتماعی می‌شود. حوزه چهارم «مدیریت عواطف» است که توانایی اداره احساسات خود و دیگران را شامل می‌شود.

در نظر گلمن (۱۹۹۵) هوش هیجانی به پنج حوزه تقسیم می‌شود که عبارتند از آگاهی از هیجانات و عواطف خود، مدیریت هیجانات، برانگیزاندن خود، شناسایی هیجانات و عواطف دیگران و سرانجام تنظیم روابط خود با دیگران. در تعریف گلمن هوش هیجانی شامل پاره‌ای صفات و مهارت‌های اجتماعی نیز می‌شود. بار-آن^۴ (۱۹۹۷) به نقل از سیاروچی، فورگاس و مه‌یر،

۲۰۰۵) هوش هیجانی را مجموعه‌ای از توانایی‌های غیرشناختی، توانشها و مهارت‌هایی در نظر می‌گیرد که بر توانایی رویارویی موفقیت‌آمیز با خواسته‌ها، مقتضیات و فشارهای محیطی تأثیر می‌گذارند.

با توجه به تعاریف و نظریات فوق معلوم می‌شود که پاره‌ای از محققان هوش هیجانی را یک توانایی در نظر می‌گیرند که از طریق آزمونهای حل مسئله قابل سنجش است (برای نمونه مه‌یر، کاروسو و سالووی، ۲۰۰۰) در حالی که پاره‌ای دیگر، هوش هیجانی را نوعی صفت و مهارت در نظر می‌گیرند و در سنجش این سازه رویکردی مبتنی بر پرسشنامه‌های خودسنجی اتخاذ می‌کنند. پتریدیس و فارنهام (۲۰۰۰، ۲۰۰۱) برای تمایز این دو دیدگاه، اصطلاحات «هوش هیجانی توانشی»^۵ و «هوش هیجانی خصیصه‌ای»^۶ را به کار گرفته‌اند. مه‌یر، کاروسو و سالووی (۲۰۰۰؛ کاروسو، مه‌یر و سالووی، ۲۰۰۲) نیز بین «الگوهای توانشی و ترکیبی»^۷ هوش هیجانی تمایز قائلند. الگوهای ترکیبی دامنه وسیعی از متغیرهای شخصیتی را درون هوش هیجانی ادغام می‌کنند در حالی که الگوی توانشی مه‌یر و سالووی کاملاً یک تعریف شناختی از هوش هیجانی به دست می‌دهد. البته تمایز پتریدیس و فارنهام (۲۰۰۰) تمایز وسیعتری است. هوش هیجانی خصیصه‌ای به تجانس و همسانی رفتاری بین موقعیتی مربوط می‌شود که در صفات و رفتارهای ویژه‌ای مانند همدلی، جراتمندی و خوش‌بینی خود را نشان می‌دهد در حالی که هوش هیجانی توانشی به توانمندیهایی مربوط می‌شود که فرد را قادر می‌سازد هیجانات را شناسایی و ابراز کند یا بر آنها نام و برچسب مناسب بگذارد. هوش هیجانی خصیصه‌ای درون چارچوب شخصیت قرار می‌گیرد و از طریق پرسشنامه‌های خودسنجی که رفتار نمونه‌وار را می‌سنجند، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این رویکرد به هوش هیجانی بر استخراج متغیرهای شخصیتی مانند همدلی، خوش‌بینی و تکانش‌وری مبتنی است اما اغلب بسیاری از سازه‌های مبهم دیگر را که همبسته‌های بالقوه هوش هیجانی هستند، شامل می‌شود مانند انگیزش، خودآگاهی، خوشکامی که بنابر تعریف، عناصر ماهوی و سازنده هوش هیجانی نیستند. در مقابل رویکرد پردازش اطلاعات و توانشی بیشتر بر مؤلفه‌های سازنده هوش هیجانی و ارتباطش با هوش سنتی متمرکزند. هوش هیجانی توانشی مانند هوش سنتی به بهترین وجه از طریق سنجش بالاترین سطح کنش‌وری قابل ارزیابی است. در حالیکه برای هوش هیجانی خصیصه‌ای ابزارهای سنجش متعدد در دسترس است اما تنها ابزار سنجش هوش هیجانی توانشی، «مقیاس چندعاملی هوش هیجانی»^۸ (MEIS) و نسخه تجدیدنظر شده آن یعنی «آزمون هوش هیجانی مه‌یر، سالووی و کارسو»^۹ (MSEIT) است.

«مقیاس هوش هیجانی شانه» و همکاران (۱۹۹۸) یک مقیاس خودسنجی ۳۳ سؤالی است که

هوش هیجانی خصیصه‌ای را می‌سنجد. این مقیاس بر مبنای الگوی هوش هیجانی سالووی و مه‌یر (۱۹۹۰) ساخته شد. ابتدا ۶۲ آیتم که سه مقوله ارزیابی و ابراز هیجان خود و دیگران و بهره‌جویی از هیجان در حل مسایل را پوشش می‌داد، انتخاب شدند. سپس ۳۴۶ نفر پرسشنامه را تکمیل کردند. تحلیل عاملی چهار عامل را به دست داد اما سه عامل آن از لحاظ اعتبار بسیار ضعیف بودند و عامل اول که شامل ۳۳ سؤال می‌شد هم اعتبار بالایی داشت (۰/۸۹) و هم سوالات آن به هر سه مقوله هوش هیجانی پوشش می‌دادند؛ ۱۳ سؤال به ارزیابی و ابراز هیجانی، ۱۰ سؤال به تنظیم هیجان و ۱۰ سؤال دیگر آن به بهره‌جویی از هیجان مربوط می‌شد در نتیجه سوالات عامل اول حفظ شدند و مقیاس هوش هیجانی را تشکیل دادند. روایی مقیاس مذکور نیز بر مبنای چند ملاک، بسیار معتبر بود. مقیاس هوش هیجانی با هشت سازه از لحاظ نظری مرتبط یعنی «الکسی تیمیا»^{۱۰}، توجه به احساسات، وضوح احساسات، توازن خلقی، خوش‌بینی و مهار تکانه همبسته بود. از روی نمرات مقیاس هوش هیجانی نمرات سال اول دانشجویان قابل پیش‌بینی بود و نمره درمانگر در مقیاس هوش هیجانی در مقایسه با درمانجویان یا زندانیان به نحو معنی‌داری بالاتر بود. همچنین زنان در قیاس با مردان در مقیاس هوش هیجانی نمره بالاتری به دست می‌آوردند. هوش هیجانی با عامل «انعطاف‌پذیری»^{۱۱} نظریه پنج عامل بزرگ شخصیت، ارتباط مثبت بالا داشت اما هوش هیجانی با توانایی شناختی مرتبط نبود. در مطالعات دیگر (شاته و همکاران، ۲۰۰۱؛ شاته و مالوف، ۲۰۰۲) معلوم شد که هوش هیجانی با سلامت هیجانی یعنی خلق مثبت و عزت نفس همبستگی مثبت بالا دارد هوش هیجانی در تنظیم خلق و حرمت خود نیز مؤثر است. افراد دارای هوش هیجانی بالا حتی پس از «القای حالت منفی»^{۱۲}، خلق و حرمت خود آنها کاهش نمی‌پذیرد و «القای حالت مثبت»^{۱۳} هر چند خلق مثبت را افزایش می‌دهد اما روی حرمت خود اثر نمی‌گذارد. هوش هیجانی بالا با همدلی بالا، خودبازیگری در موقعیت‌های اجتماعی، صمیمیت و گرمی در روابط و رضایت زندگی زناشویی مرتبط است.

به رغم ویژگی‌های مثبت روانسنجی و مورد استقبال قرار گرفتن از سوی محققان (برای نمونه سیاروچی، چن و باجگر ۲۰۰۱؛ پتریاریس و فارنهام ۲۰۰۰؛ ساکلوفسکی، آستین و مینسکی، ۲۰۰۳) این مقیاس به واسطه اندک بودن سوالات دارای کلید پاسخ‌های معکوس مورد انتقاد قرار گرفت. علاوه بر این، در حالی که شاته و همکاران (۱۹۹۸) این مقیاس را یک ابزار سنجش تک‌عاملی در نظر می‌گیرند اما در دو مطالعه مختلف (پتریادیس و فارنهام ۲۰۰۰؛ سیاروچی و همکاران، ۲۰۰۱) معلوم شد که برای مقیاس هوش هیجانی راه حل چهار عاملی مورد تأیید است و این چهار عامل عبارتند از خوش‌بینی / تنظیم خلق، ارزیابی هیجان‌ات، مهارت‌های اجتماعی یا

اداره کردن هیجان‌ها دیگران و بهره‌جویی از هیجان‌ها.

آستین و همکاران (۲۰۰۴) به منظور رفع مشکل اندک بودن سوالات دارای کلید پاسخ‌های معکوس و نیز رفع ابهام مربوط به ساخت عاملی مقیاس هوش هیجانی، آن را مورد تجدیدنظر اساسی قرار دادند. در مقیاس هوش هیجانی تجدیدنظر شده سوالات دارای کلید پاسخ‌های معکوس تا به تعداد ۲۱ عدد افزایش یافت و برخی سوالات جدید نیز به آن افزوده شد. مقیاس جدید ۴۱ سؤال را شامل می‌شود. سوالات جدید عمدتاً به حوزه بهره‌جویی از هیجان‌ها مربوط می‌شود که در مطالعات پیشین معلوم شده بود در قیاس با سایر عامل‌ها از اعتبار کمتری برخوردار است. این مقیاس روی ۵۰۰ دانشجوی کانادایی اجرا گردید. اعتبار درونی مقیاس جدید افزایش معنی‌داری نسبت به مقیاس اصلی نشان نداد و برخلاف مطالعات پیشین، تنها سه عامل برای مقیاس ۴۱ سؤالی شناسایی شد که عبارتند از خوش‌بینی / تنظیم خلق، ارزیابی هیجان‌ها و بهره‌جویی از هیجان‌ها. مطالعه حاضر به منظور دستیابی به ویژگی‌های روانسنجی و واریانس ساخت عاملی نسخه فارسی مقیاس هوش هیجانی تجدیدنظر شده شاته در یک نمونه بزرگ از جمعیت دانشجویی دانشگاه تبریز انجام گرفته است.

● روش

○ طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است. بدین منظور پس از انتخاب نمونه و تکمیل پرسشنامه‌ها از سوی آزمودنی‌ها، ابتدا ویژگی‌های روانسنجی یعنی همسانی درونی و روایی همگرا مقیاس مذکور برآورد می‌شود سپس از دو طریق تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) و تحلیل عاملی تأییدی (CFA) ساخت عاملی آن مورد واریانس قرار می‌گیرد و برازنده‌ترین الگوی عاملی معرفی می‌گردد. به منظور سنجش روایی بیرونی، همبستگی مقیاس هوش هیجانی با «فهرست بازبینی تجدیدنظر شده ۹۰ نشانگان»^{۱۴} (SCL-90-R)، «پرسشنامه سلامت عمومی»^{۱۵} - ۲۸ سؤالی (GHQ-28) و «مقیاس تجدیدنظر شده پنج عاملی نتو»^{۱۶} (NEO-FFI-R) سنجیده خواهد شد.

○ جامعه آماری «این پژوهش، دانشجویان دانشگاه تبریز بودند. نمونه مورد بررسی به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند؛ از میان دانشکده‌های علوم پایه، فنی، علوم تربیتی و روانشناسی، علوم اجتماعی، ادبیات و زبانهای خارجی کلاسهای انتخاب شدند و پرسشنامه‌های «مقیاس هوش هیجانی تجدیدنظر شده شاته» (MSEIS)، با دیگر ابزارها از سوی دانشجویان تکمیل شد. تعداد نمونه ۶۷۷ (۳۷۳ زن، ۳۰۴ مرد) با دامنه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال و میانگین سنی ۲۱ سال و انحراف معیار ۲/۵۲ بود.

○ ابزارهای سنجش

□ الف. مقیاس هوش هیجانی تجدیدنظر شده شاته (MSEIS) یک پرسشنامه خودسنجی ۴۱ سؤالی است که برای سنجش هوش هیجانی خصیصه‌ای ساخته شده است. (آستین و همکاران، ۲۰۰۴) آزمودنی‌ها به سوالات این مقیاس بر مبنای رتبه‌بندی پنج درجه‌ای لیکرت (۱=کاملاً موافقم تا ۵=کاملاً مخالفم) پاسخ می‌دهند. این پرسشنامه در واقع نسخه تجدیدنظر شده مقیاس هوش هیجانی شاته و همکاران (۱۹۹۸) است. ضریب اعتبار (همسانی درونی) کل آزمون ۰/۸۵ گزارش شده است و سه عامل خوش بینی / تنظیم خلق، بهره‌جویی از هیجان‌ات و ارزیابی هیجان‌ات برای آن شناسایی شده است. ضرایب اعتبار از راه همسانی درونی برای این عامل‌ها به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۹۸ و ۰/۷۶ و می‌باشد. روایی آزمون از طریق همبستگی آن با آزمون بهره هوش هیجانی بار-آن برآورد و میزان آن ۰/۶۷ گزارش شده است.

□ ب. «فهرست بازبینی تجدیدنظر شده ۹۰ نشانه‌گانی» (SCL-90-R) برای سنجش سریع نوع و شدت علائم بیماری روانی از طریق خودسنجی است. SCL-90-R از ۹۰ عبارت توصیفی در مورد علائم بیماری تشکیل شده است که مراجع بر مبنای مقیاس رتبه‌بندی پنج درجه‌ای لیکرت (۰=هیچ تا ۴=به شدت) وجود و شدت علائم جاری خود را درجه‌بندی می‌کند. علائم ۹ بعد متفاوت یعنی جسمانی‌سازی (SOM)، وسواس (O-C)، حساسیت بین فردی (I-S)، افسردگی (DEP)، اضطراب (ANX)، خصومت (HOS)، هراس (PHOB)، اندیشه‌پردازی پارانوییدی (PAR)، روان‌پریش‌گرایی (PSY) همچنین سه شاخص کلی یعنی شاخص شدت کلی (GSI)، شاخص ناراحتی علائم مثبت (PSDI)، و مجموع علائم مثبت (PST) را می‌سنجد. اعتبار (همسانی درونی) برای ۹ بعد در بیماران روانی سرپایی در دامنه ۰/۷۹ برای اندیشه‌پردازی پارانوییدی (PAR) تا ۰/۹۰ برای افسردگی (DEP) گزارش شده است (مارنات، ۲۰۰۳). ضرایب اعتبار از راه بازآزمایی در فاصله یک هفته‌ای در دامنه ۰/۷۸ برای خصومت (HOS) تا ۰/۹۰ برای هراس (PHOB) به دست آمده است (پیشین).

□ ج. پرسشنامه سلامت عمومی - ۲۸ سؤالی (GHQ)؛ گلدبرگ و هیلبر، (۱۹۷۹) شناخته‌ترین ابزار غربالگری در روانپزشکی است. دارای ۲۸ سؤال می‌باشد و علاوه بر یک نمره کلی، چهار خرده مقیاس علائم جسمانی، اضطراب، اختلال در کارکرد اجتماعی و افسردگی را شامل می‌شود. نمره گذاری بر مبنای رتبه‌بندی چهار درجه‌ای لیکرت (۰-۱-۲-۳) صورت می‌گیرد در نتیجه نمره کلی در دامنه صفر تا ۸۴ قرار می‌گیرد. این مقیاس از ویژگی‌های روانسنجی مناسب برخوردار است. میانگین حساسیت این مقیاس ۸۴ درصد و میانگین ویژگی، ۸۲ درصد، نمره برش آن ۲۳ و ضرایب اعتبار همسانی درونی و بازآزمایی ۰/۸۸ گزارش شده است (یعقوبی،

نصر و شاه‌محمدی، ۱۳۷۴).

□ د. «مقیاس تجدیدنظر شده پنج‌عاملی نئو» (NEO-FFI-R) یک مقیاس ۶۰ سؤالی است که به منظور سنجش پنج عامل پایه شخصیت یعنی روان‌رنجورخویی (N)، برونگرایی (E)، انعطاف‌پذیری (O)، دلپذیری (A) و با وجدان بودن (C) طراحی شده است. برای هر عامل، ۱۲ سؤال وجود دارد. در این مقیاس از رتبه‌بندی پنج درجه‌ای لیکرت استفاده شده است. همسانی درونی از ۰/۶۸ تا ۰/۸۶ و بازآزمایی با فاصله دو هفته‌ای ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ برای پنج مقیاس گزارش شده است (مک‌کرا و اکوستا، ۲۰۰۴).

● یافته‌ها

در جدول ۱ میانگین، انحراف معیار، اعتبار (همسانی درونی) و میانگین همبستگی بین سؤالی مقیاس هوش هیجانی تجدیدنظر شده شاته (MSEIS) برای مردان، زنان و کل نمونه آمده است. تفاوت میانگین نمره MSEIS در مردان و زنان معنی‌دار نیست و همسانی کل آزمون برای مردان و نمونه کلی ۰/۸۴ و برای زنان ۰/۸۵ است که رضایت‌بخش است.

جدول ۱ - میانگین، انحراف معیار، اعتبار همسانی درونی و میانگین بین سؤالی MSEIS برای مردان، زنان و کل نمونه

شاخص‌ها جنس	میانگین	انحراف معیار	آزمون ^۱	همسانی درونی	میانگین همبستگی
مردان	۱۴۷/۹۷	۱۵/۳۷	۱/۴۷ *	۰/۸۵	۰/۱۴
زنان	۱۴۶/۵۳	۱۵/۸۹		۰/۸۴	۰/۱۳
کل	۱۴۷/۱۸	۱۵/۶۶	-	۰/۸۴	۰/۱۳

* (معنی‌دار نیست) NS

روایی همگرا MSEIS از طریق همبستگی این مقیاس با SCL-90-R، GHQ-28 و NEO-FFI-R سنجیده شد که نتیجه آن در جدول ۲ آمده است. همانطور که دیده می‌شود بین مقیاس شاته و همه خرده مقیاسهای SCL-90-R همبستگی منفی و معنی‌دار برقرار است ($p < 0/05$) که معنای آن این است که هر چه نمره فرد در هوش هیجانی بالاتر باشد به همان نسبت از سلامت روانی بالاتری برخوردار است. همین نتیجه با توجه به مقیاس سلامت عمومی نیز تأیید می‌شود. همبستگی میان مقیاس شاته با نمره کلی سلامت عمومی و خرده مقیاسهای آن منفی و معنی‌دار است ($p < 0/01$). رابطه میان مقیاس شاته با عامل‌های E، A و C مثبت و معنی‌دار ($p < 0/05$)، با N منفی و معنی‌دار ($p < 0/01$) و با O مثبت اما از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. لازم به ذکر است که هر چند میزان همبستگی‌ها متوسط است اما از لحاظ آماری معنی‌دار هستند.

همچنین جهت همبستگی با پیش بینی نظری، همسو می باشد. هوش هیجانی با آسیب روانی همبستگی منفی و با مشخصه های سالم و کارآمد شخصیتی همبستگی مثبت دارند و این یافته بر روایی همگرا دلالت دارد.

به منظور اینکه معلوم شود کدامیک از خرده مقیاسهای SCL-90-R، GHQ-28 و NEO-FFI-R بیشترین واریانس مقیاس شاته را تبیین می کند سه تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام انجام پذیرفت. از میان خرده مقیاسهای SCL-90-R، حساسیت بین فردی (I-S) و جسمانی سازی (SOM) تنها متغیرهای پیش بین بودند که درصد معنی داری از واریانس مقیاس شاته را توضیح می دادند ($p < 0/001$). از میان خرده مقیاسهای سلامت عمومی، افسردگی و اضطراب درصد معنی داری از واریانس مقیاس شاته را توضیح می دادند ($p < 0/001$). اما از میان عاملهای پایه شخصیتی باوجدان بودن (C) و روان رنجورخویی بیشترین واریانس را توضیح دادند ($p < 0/001$) (جدول ۲).

جدول ۲- همبستگی مقیاس شاته با مقیاسهای SCL-90-R، GHQ-28 و NEO-FFI-R

مقیاسها	همبستگی با NSEIR	سطح معنی داری p
SCL-90-R	جسمانی سازی SOM	0/000
	وسواس O-C	0/000
	حساسیت بین فردی I-S	0/000
	افسردگی DEP	0/000
	اضطراب ANX	0/000
	خصوصیت HOS	0/002
	هراس PHOB	0/000
	اندیشه پردازی پارانوئیدی PAR	0/032
	روانپریشی گرایی PSY	0/001
	GSI	0/000
	PST	0/000
GHQ-28	PSDI	0/018
	نمره کلی	0/000
	علامه جسمانی	0/000
	اضطراب	0/000
	اختلال در کارکرد اجتماعی	0/000
NEO-FFI-R	افسردگی	0/000
	روان رنجورخویی (N)	0/001
	برونگرایی (E)	0/012
	انعطاف پذیری (O)	NS (معنی دار نیست)
	دلپذیر بودن (A)	0/007
	باوجدان بودن (C)	0/000

به منظور انجام تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) روی سؤالات مقیاس شاته ابتدا کفایت اندازه نمونه (۶۷۷ نفر) از طریق آزمون کفایت نمونه گیری KMO و آزمون مدوریت بارتلت تایید شد. آزمون KMO برابر با ۰/۸۵ بود که رضایت بخش است و آزمون بارتلت نیز از لحاظ آماری معنادار بود ($p < ۰/۰۰۰۱$ و $df = ۶۳۰$ و $\chi^2 = ۴۷۵۲/۴۹$). تحلیل مؤلفه‌های اساسی بدون چرخش به ۹ عامل انجامید که تقریباً ۵۰ درصد از واریانس مقیاس شاته را توضیح می‌داد اما آزمون اسکری الگوی سه عاملی را پیشنهاد می‌کرد. علاوه بر این بر مبنای داده‌های پیشین (شاته و همکاران، ۱۹۹۸؛ پتریادیس و فارنهام ۲۰۰۰؛ سا کلو فسکی و همکاران، ۲۰۰۲) الگوی های تک عاملی و چهار عاملی نیز قابل پیشنهاد است. در نتیجه تحلیل مؤلفه‌های اساسی چرخش متعامد با روش واریماکس تحت قیود یک عاملی، سه عاملی و چهار عاملی صورت پذیرفت. این عمل به منظور تعیین این نکته که دقیقاً در تحقیق حاضر کدام سؤالات ذیل عاملها در الگوهای یک، سه و چهار عاملی قرار می‌گیرند، انجام پذیرفت. در هر تحلیل بارهای عاملی /۰/۳۵/ حفظ می‌شدند. نتایج تحلیل های عاملی در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳- مقایسه الگوهای یک عاملی، سه عاملی و چهار عاملی مقیاس شاته*

الگوها	سه عاملی				چهار عاملی			
	I	II	III	IV	I	II	III	IV
	۲۹(-/۶۲)	۲۱(-/۶۸)	۳۵(-/۶۰)	۳۸(-/۶۰)	۲۱(-/۴۷)	۳۵(-/۶۴)	۳۸(-/۶۴)	۳۱(-/۵۹)
	۲۷(-/۶۱)	۲۹(-/۶۵)	۲۴(-/۵۷)	۳۷(-/۵۴)	۲۹(-/۶۵)	۲۶(-/۵۴)	۳۲(-/۵۳)	۶(-/۵۹)
	۲۱(-/۵۹)	۱۸(-/۶۴)	۱۲(-/۴۹)	۳۲(-/۴۹)	۱۸(-/۶۴)	۱۲(-/۵۲)	۳۷(-/۵۳)	۳۹(-/۵۴)
	۱۸(-/۵۷)	۲۷(-/۶۴)	۸(-/۴۸)	۳۰(-/۴۸)	۲۷(-/۶۳)	۲۴(-/۴۹)	۳۰(-/۴۸)	۴۰(-/۴۸)
	۱۱(-/۵۴)	۱۱(-/۶۰)	۲۲(-/۴۶)	۳۱(-/۴۶)	۱۱(-/۵۹)	۲۲(-/۴۲)	۲(-/۴۲)	۲۳(-/۴۴)
	۱۲(-/۵۳)	۷(-/۵۷)	۲۶(-/۴۶)	۳۳(-/۴۳)	۷(-/۵۷)	۱۵(-/۴۲)	۱۶(-/۳۹)	۱۹(-/۴۴)
	۳(-/۴۸)	۳(-/۴۷)		۱۹(-/۴۰)	۳(-/۴۷)	۱۷(-/۳۹)	۳۳(-/۳۸)	۸(-/۳۶)
	۱۷(-/۴۸)	۲۸(-/۴۷)		۳۶(-/۳۹)	۲۸(-/۴۶)			
	۲۸(-/۴۷)	۲۰(-/۴۱)		۲(-/۳۹)	۲۰(-/۴۰)			
	۱۵(-/۴۶)	۱۷(-/۳۸)		۲۳(-/۳۹)	۹(-/۳۵)			
	۲۵(-/۴۵)	۹(-/۳۶)		۱۶(-/۳۷)				
	۳۷(-/۴۴)							
	۲۲(-/۴۳)							
	۷(-/۴۲)							
	۶(-/۴۲)							
	۳۶(-/۴۰)							
	۹(-/۴۰)							
	۳۵(-/۳۹)							
	۲(-/۳۹)							
	۲۳(-/۳۸)							
	۱۶(-/۳۸)							
	۳۰(-/۳۶)							
	۳۸(-/۳۶)							
	۳۹(-/۳۶)							
	۲۰(-/۳۶)							
جمع مقادیر ویژه	۶/۰۱۲	۴/۳۵۲	۳/۰۰	۲/۹۲۲	۴/۲۵۶	۲/۷۸۴	۲/۵۱۳	۲/۴۳۱
درصد واریانس	۱۴/۶۶	۱۰/۶۲	۷/۳۲	۷/۱۳	۱۰/۳۸	۶/۷۹	۶/۱۳	۵/۹۳
همسانی درونی آلفای کرونباخ	۰/۸۴	۰/۷۸	۰/۶۱	۰/۶۸	۰/۷۸	۰/۶۵	۰/۶۱	۰/۶۲

* اعداد نشانگر شماره سؤال در مقیاس شاته و درصدهای درون پراتز: بارهای عاملی آن سؤال می‌باشد.

برای واریس این سؤال که کدامیک از الگوهای یک عاملی، سه عاملی و چهار عاملی برازش مناسبتری دارد، تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از LISREL (۸/۵۴) (یورسکاک و سوربوم، ۲۰۰۳) صورت گرفت که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴ - مقایسه شاخص‌های برازندگی الگوهای یک عاملی، سه عاملی و چهار عاملی مقیاس شاته

شاخص‌های برازندگی الگوها	χ^2	χ^2_{diff}	CFI	NFI	RFI	IFI	GFI	RMSEA	RMR	PGFI	AGFI	AIC
یک‌عاملی	۴۲۹۸/۱۴	۱۳۹۳/۲۵**	۰/۸۰	۰/۷۷	۰/۷۶	۰/۸۰	۰/۷۴	۰/۰۹۵	۰/۱۹	۰/۶۷	۰/۷۱	۴۴۲۰/۱۴
سه‌عاملی	۳۸۸۲/۳۶	۹۷۷/۵۷**	۰/۸۱	۰/۷۸	۰/۷۶	۰/۸۱	۰/۷۶	۰/۰۹۰	۰/۲۲	۰/۶۸	۰/۷۳	۴۰۱۴/۳۶
چهار‌عاملی	۲۹۰۴/۸۹	-	۰/۸۵	۰/۸۲	۰/۸۰	۰/۸۵	۰/۸۱	۰/۰۷۶	۰/۱۹	۰/۷۲	۰/۷۸	۳۰۵۲/۸۹

همانگونه که از داده‌های جدول ۴ مشخص می‌شود هر چند هر سه الگوی از برازش متوسط برخوردارند اما الگوی چهار عاملی بر دو الگوی دیگری برتری دارد. مجذور کای (χ^2) الگوی چهار عاملی از دو الگوی دیگر کوچکتر است و تفاضل مجذور کای بر مبنای شاخص مجذور کای آشیانی (χ^2_{diff}) معنی‌دار است ($p < ۰/۰۰۱$). شاخص‌های برازندگی تطبیقی (CFI)، برازندگی هنجار شده (NFI)، برازندگی نسبی (RFI)، برازندگی افزایشی (IFI)، نیکویی برازش (GFI)، نیکویی برازش انطباقی (AGFI) و نیکویی برازش مختصر (PGFI) دارای دامنه صفر تا یک هستند و هرچه اندازه آنها به یک نزدیکتر باشد، الگوی برازنده‌تر است. با توجه به شاخص‌های فوق الگوی چهار عاملی بر الگوهای رقیب برتری چشمگیری ندارد و تفاوت معنی‌دار نیست. اما بر مبنای دو شاخص RMSEA و AIC الگوی چهار عاملی برازنده‌تر است؛ این شاخص هر چه کوچکتر باشد بر برازش مناسبتر دلالت دارد. در مجموع می‌توان اظهار نمود الگوی چهار عاملی بر الگوی یک عاملی و سه عاملی بر مبنای شاخص‌های مجذور کای RMSEA و AIC برتری نسبی دارد هر چند این برازندگی چندان مطلوب و رضایت‌بخش نیست.

● بحث و نتیجه‌گیری

○ «مقیاس هوش هیجانی تجدیدنظر شده شاته» از ویژگی‌های روانسنجی مناسبی برخوردار است. همسانی درونی کل آزمون رضایت‌بخش است و تقریباً با ضریب اعتبار بدست آمده از پژوهش آستین و همکاران (۲۰۰۴) یکسان است. تفاوت مردان و زنان در نمره کلی آزمون معنی‌دار نیست در حالی که یکی از فروض ضمنی شاته و همکاران (۱۹۹۸) نمره بالای زنان در

قیاس با مردان است. در پژوهش شاته و همکاران (۱۹۹۸) یکی از ملاکهای روایی خارجی آزمون بروز این تمایز بود که در تحقیق حاضر به دست نیامده است. البته تفاوت زنان و مردان در سطوح هوش هیجانی از فروض و مؤلفه‌های اساسی هوش هیجانی نیست و در الگوی سه‌عاملی و چهارعاملی مه‌یر و سالووی (۱۹۹۰، ۱۹۹۷) به چنین تمایزی اشاره نشده است.

○ در تحقیق حاضر میان هوش هیجانی با سایر ملاکهای روایی که با الگوهای نظری و داده‌های پژوهشی همسویی بیشتری دارد، همبستگی معنی‌دار برقرار است. برای نمونه میان هوش هیجانی و سلامت روانی همبستگی مثبت معنی‌دار وجود دارد. شاته و همکاران (۲۰۰۲) نشان داده‌اند که میان هوش هیجانی و سلامت عاطفی رابطه مثبت برقرار است. در تحقیق براکت و همکاران (۲۰۰۴) نیز رابطه میان هوش هیجانی با آسیب روانی و رفتارهای ناسازگارانه رابطه منفی و معنی‌دار برقرار است. همچنین تحقیقات نشان داده‌اند نه تنها علایم بیماری در افراد دارای هوش هیجانی بالا اندک است بلکه رفتارهای نوع دوستانه، گرمی و صمیمیت، روابط مثبت با همگنان و رابطه شغلی مثبت در این اشخاص بالا است (براکت و همکاران، ۲۰۰۴؛ شاته و همکاران، ۲۰۰۴؛ پتریدیس، فردریکسون و فارنهام، ۲۰۰۴). تحقیق حاضر با همه تحقیقات فوق سازگار و همسو است میان نمره هوش هیجانی و شاخص‌های آسیب روانی رابطه منفی و معنی‌دار به دست آمده است.

در زمینه رابطه هوش هیجانی و پنج عامل پایه شخصیت نیز تحقیق حاضر با پاره‌ای از پژوهش‌های پیشین همسویی نشان می‌دهد. ون روی و وایس و ویس وارن (۲۰۰۵) در یک فراتحلیل نشان داده‌اند که بین عامل‌های شخصیتی و هوش هیجانی در بسیاری از پژوهش‌ها رابطه معنی‌دار برقرار است. همبستگی سه‌عامل شخصیتی یعنی روان‌رنجورخویی (N) برونگرایی (E) و با وجدان بودن (C) بالاتر از ۳۱/۰ گزارش شده است و همبستگی با انعطاف‌پذیری و دلپذیر بودن در حد ۲۳/۰ می‌باشد. در تحقیق حاضر بالاترین رابطه به ترتیب با عامل با وجدان بودن، روان‌رنجورخویی و دلپذیر بودن برقرار است و با عامل انعطاف‌پذیری رابطه پایین و غیرمعنی‌دار است. این یافته با اکثر پژوهش‌های این زمینه همسو است هر چند با تحقیق شاته و همکاران (۱۹۹۸) در تضاد است. رابطه هوش هیجانی خصیصه‌ای و عامل‌های شخصیتی زمینه‌ای است که نیاز به پژوهش‌های بیشتر دارد.

○ در زمینه روایی سازه تحقیق حاضر به طور نسبی از الگوی چهارعاملی حمایت می‌کند که با الگوی تجدیدنظر شده مه‌یر و سالووی (۱۹۹۷) همسویی نشان می‌دهد. عامل‌ها تقریباً با چهار مقوله ادراک و ابراز هیجانات، تنظیم هیجانات، بهره‌جویی از هیجان در زمینه‌های حل مسئله و

نیز اداره کردن هیجان منطبق هستند. در تحقیق پتیرادیس و فارنهام (۲۰۰۰) نیز الگوی چهار عاملی از برازش مناسبتری برخوردار بود. اما آستین و همکاران (۲۰۰۴) الگوی سه عاملی را الگوی مناسبتر یافته‌اند. بطور کلی تحقیق حاضر از میان سه الگوی رقیب یک عاملی، سه عاملی و چهار عاملی که هر یک از پشتیبانی‌های تجربی خاص خود برخوردارند، با آن دسته از نظریات و داده‌های تجربی که از الگوی چهار عاملی حمایت می‌کنند، همسویی نشان می‌دهد.

○ به طور خلاصه، تحقیق حاضر از ویژگی‌های مناسب روانسنجی مقیاس هوش هیجانی تجدیدنظر شده شاته حمایت می‌کند با توجه به اینکه میان هوش هیجانی و سازه‌های متنوع روانشناختی از جمله سلامت روانی و هیجانی، رفتار نوع‌دوستانه، هالگوی، روابط سالم خانوادگی و شغلی و نیز بیماری، رفتار منحرفانه و مجرمانه، پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد، می‌توان از مقیاس هوش هیجانی برای مقاصد کاربردی و پژوهشی بهره برد.

از جمله محدودیت‌های تحقیق حاضر می‌توان به جامعه آماری تحقیق حاضر اشاره نمود. نمونه مورد مطالعه از دانشجویان انتخاب شده است در نتیجه نتایج آن برای جمعیت بزرگسال غیردانشگاهی قابلیت تعمیم نمی‌یابد. اثر محدود بودن دامنه نمونه گیری برای پژوهش‌های عرصه شخصیت و هوش می‌تواند نتایج آن را نیز محدود سازد. در نتیجه قابل توصیه است که تحقیق حاضر در جمعیت‌های غیردانشگاهی تکرار گردد.

○ ○ ○

مقیاس هوش هیجانی شاته (Schutte EI Scale)

نام و نام خانوادگی:		جنس:		سن:	
میزان تحصیلات:		رشته تحصیلی:		ترم:	
کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱. من می‌دانم چه موقع با دیگران درباره مشکلات شخصی‌ام صحبت کنم.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲. وقتی با مانی روبرو می‌شوم، زمانی را به یاد می‌آورم که با موانع مشابهی روبرو بودم و بر آنها غلبه کردم.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳. وقتی کار جدیدی را شروع می‌کنم، عموماً انتظار شکست دارم.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۴. خلق من تأثیر کمی در چگونگی برخوردم با مشکلات دارد.
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۵. دیگران به راحتی به من اعتماد می‌کنند.

- ۶- برای من فهمیدن پیامهای غیر کلامی دیگران سخت است.
- ۷- برخی از اتفاقات خاص در زندگی من باعث شده است که چیزهای مهم و غیر مهم را ارزیابی مجدد کنم.
- ۸- بعضی وقتها که با کسی صحبت می‌کنم، نمی‌توانم تشخیص بدهم حرفهایش جدی است یا شوخی.
- ۹- وقتی خلقم تغییر می‌کند، می‌توانم راه حل‌های جدیدی را در نظر بگیرم.
- ۱۰- عواطف و احساسات تأثیر زیادی بر من نمی‌گذارند.
- ۱۱- من به احساسات و عواطفی که تجربه می‌کنم، آگاهم.
- ۱۲- معمولاً انتظار اتفاقات خوب را ندارم.
- ۱۳- وقتی سعی می‌کنم مشکلی را در زندگی‌ام حل کنم، بهتر است تاجایی که می‌توانم احساساتی نباشم.
- ۱۴- ترجیح می‌دهم احساساتم را مخفی کنم.
- ۱۵- وقتی احساس خوبی دارم، می‌دانم آن را چطور حفظ کنم.
- ۱۶- کارها را به گونه‌ای ترتیب می‌دهم که دیگران از آن لذت می‌برند.
- ۱۷- غالباً وقایع اجتماعی را به تعبیر می‌کنم.
- ۱۸- به دنبال فعالیتهایی هستم که مرا خوشحال می‌کنند.
- ۱۹- من به پیامهای غیر کلامی که به دیگران می‌فرستم، آگاهم.
- ۲۰- برایم چندان مهم نیست چه تأثیری بر دیگران می‌گذارم.
- ۲۱- وقتی که احساس خوبی دارم، حل مشکلات برایم آسان است.
- ۲۲- غالباً حالات چهره‌ای دیگران را سوء تعبیر می‌کنم.
- ۲۳- معتقدم احساسات و عواطف من در دستیابی به ایده‌های جدید کمکی نمی‌کنند.
- ۲۴- اغلب نمی‌دانم چرا احساساتم تغییر می‌کند.
- ۲۵- معتقدم که خلق مثبت در دستیابی به ایده‌های جدید کمکی نمی‌کند.
- ۲۶- کنترل احساسات برایم سخت است.
- ۲۷- من براحض احساساتی را که تجربه می‌کنم، درک می‌کنم.
- ۲۸- دیگران به من گفته‌اند که صحبت کردن با من سخت است.
- ۲۹- با تصور نتایج خوبی که از انجام دادن تکالیف بدست می‌آید، به خودم انگیزه می‌دهم.
- ۳۰- وقتی دیگران کاری را به خوبی انجام می‌دهند، از آنها تمجید می‌کنم.
- ۳۱- من به پیامهای غیر کلامی که به دیگران می‌فرستند، آگاهم.
- ۳۲- وقتی کسی با من در مورد اتفاقات مهم زندگی‌اش صحبت می‌کند، احساس می‌کنم خودم آثار تجربه کرده‌ام.
- ۳۳- وقتی تغییری در عواطفم احساس می‌کنم، به افکار جدیدی دست می‌یابم.
- ۳۴- عواطف نقش زیادی در چگونگی برخورد من با مشکلات ندارند.
- ۳۵- وقتی با مشکلی روبرو می‌شوم، از آن اجتناب می‌کنم. چون فکر می‌کنم شکست خواهم خورد.
- ۳۶- کافوست به دیگران نگاه کنم تا بفهمم چه احساسی دارند.
- ۳۷- وقتی که دیگران غمگین هستند، به آنها کمک می‌کنم تا حال بهتری داشته باشند.
- ۳۸- هنگام مواجهه با موانع و مشکلات برای ادامه تلاش، از خلق و خوی خوش کمک می‌گیرم.
- ۳۹- برایم سخت است که از لحن صدای دیگران احساساتشان را بفهمم.
- ۴۰- برایم سخت است که بفهمم چرا دیگران احساسات خاصی دارند.
- ۴۱- برقراری روابط صمیمانه با دیگران برایم سخت است.

یادداشت‌ها

- | | |
|---|---|
| 1- Emotional intelligence | 2- Payne |
| 3- Carl Lans | 4- Bar-On |
| 5- Ability EI | 6- Trait EI |
| 7- Mixed model | 8- Multifactorial Emotional Intelligence Scale (MEIS) |
| 9- Mayer, Salovey, Caruso Emotional Intelligence Test (MSEIT) | |
| 10- Alexithymia | 11- Openness to experience |
| 12- Negative state induction | 13- Positive state induction |
| 14- Symptom Checklist-90-Revised | 15- General Health Questionnaire (GHQ-28) |
| 16- NEO Five-Factor-Inventory-Revised (NEO-FFI-R) | |

منابع

- یعقوبی، نورالله؛ نصر، مهدی؛ و شاه‌محمدی، داود. (۱۳۷۴). بررسی همه‌گیرشناسی اختلالات روانی در مناطق شهری و روستایی صومعه‌سراگیلان. فصلنامه اندیشه و رفتار، ۱، ۶۵-۵۵.
- Austin, E. J.; Saklofske, D. H.; Huang, S. H. S.; & Mckenney, D. (2004). Measurement of trait emotional intelligence: testing and cross-validating a modified version of schutte et al.s (1998) measure. *Personality and Individual Differences*, 36(3), 555-562.
- Beasley, K. (1987, May). The Emotional Quotient. *Mensa Magazine: United Kingdom Edition*.
- Brackett, M. A.; Mayer, J. D.; & Warner, R. M. (2004). Emotional intelligence and its relation to everyday behaviour. *Personality and Individual Differences*, 36(6), 1387-1402.
- Caruso, D. R.; Mayer, J. D.; & Salovey, P. (2002). Relation of an ability measure of emotional intelligence to personality. *Journal of Personality Assessment*, 79(2)306-320.
- Ciarrochi, J.; Chan, A. Y. C.; & Bajgar, J. (2001). Measuring emotional intelligence in adolescents. *Personality and Individual Differences*, 31, 1105-1119.
- Ciarrochi, J.; Forgas, P.; & Mayer, J. D. (2005). *Emotional intelligence in everyday life, A scientific inquiry*. Psychology press.
- Darwin, C. (1872). *Origin of Species*, Sixth Edition. Senate, London.
- Gardner, H. (1975). *The Shattered Mind*. New York: Knopf.
- Gardner, H. (1983). *Frames of mind: The Theory of multiple intelligence*. New York: Basic Books.
- Goldberg, D. P.; & Hillier, V. (1979). A scaled version of general health questionnaire. *Psychological Medicine*, 9, 131-145.
- Goleman, D. (1995). *Emotional intelligence*. New York: Bantam Books.
- Marnat, G. (2003). *Handbook of Psychological assessment*.

- Joreskog, K.; & Sorbom, D. (2003). *LISREI 8.54* [computer software]. Chicago: scientific software.
- Mayer, J. D.; & Salovey, P. (1997). What is emotional intelligence? In P. salovey & D. sluyter (Eds.), *Emotional development and emotional intelligence: implications for educators* (pp.3-31). New York: Basic.
- Mayer, J. D.; Caruse, D. R.; Salovey, P. (2000). Emotional intelligence meets traditional standards for an intelligence. *Intelligence*, 27, 267-298.
- McCrae, R. R.; & Costa P. T. Jr. (2004). A contemplated revision of NEO Five Factor Inventory. *Personality and Individual Differences*, 36, 587-596.
- Petrides, K. V.; & Furnham, A. (2000). On the dimensional structure of emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 29, 313-320.
- Petrides, K. V.; & Furnham, A. (2001). Trait emotional intelligence: Psychometric investigation with reference to established trait taxonomies. *European Journal of Personality*, 15, 425-448.
- Petrides, K. V.; Frederickson, N.; & Furnham, A. (2004). The role of trait emotional intelligence in academic performance and deviant behavior at school. *Personality and individual Differences*, 36(2), 393-404.
- Saklofske, D. H.; Austin, E. J.; & Minski, P. (2003). Factor structure and validity of a trait emotional intelligence measure. *Personality and Individual Differences*, 34, 707-721.
- Salovey, P.; & Mayer, J. D. (1990). Emotional intelligence. *Imagination Cognition and Personality*, 9, 185-211.
- Schutte, N. S.; Malouff, J. M.; Hall, L. E.; Haggerty, D. J.; Cooper, J. T.; Golden, C. J.; & Dornheim, L. (1998). Development and validation of a measure of emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 25, 167-177.
- Schutte, N. S.; Malouff, J. M.; Bobik, C.; Coston, T.; Greeson, C.; Jedlicka, C.; Rhodes, E.; & Wendorf, G. (2001). Emotional intelligence and interpersonal relations. *Journal of social psychology*, 141, 523-536.
- Shutte, N. S.; Malouff, J. M.; Simunek, M.; McKenley, J.; & Hollander, S. (2002). Characteristic emotional intelligence and emotional well-being. *Cognition and Emotion*, 16(6), 769-787.
- Thorndike, R. K. (1920). Intelligence and Its Uses, *Harper's Magazine*, 140, 227-335.
- Van Rooy, D. L.; & Viswesvaran, C. (2005). Emotional intelligence: A meta-analytic investigation of predictive validity and nomological net. *Journal of Vocational Behavior*, 38(3), 689-700.
- Wikipedia, The Free Encyclopedia, (2007). *Emotional Intelligence*. http://en.wikipedia.org/wiki/Emotional_intelligence/



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی